

Mirza Font Testing Document Katibeh-Regular.ttf 16 pt

February 4, 2016

خوشنویسی

خوشنویسی یتا خطاطی به معنی زیبانویسی یتا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد، به خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش ساده‌ی مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد. خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یتابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد. اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یتا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی

تعیین می شده که در «رسم الخط» ها و «آداب المشق» ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده است. قرارگیری کلمات نیز- یعنی «کرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده است - اما به شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده است.

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته است. زیرا در اصل آن را هنر تحسم کلام وحی می دانسته اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می بردند. [۵] خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین ها به ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تحلی یتافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده است. قدیمی ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه دار خط کوفی منحنی و قوس دار است. [۶] در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود محازی، نزول محازی، اصول، صفا و شأن. [۷] یک قرن بعد از ابن مقله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یتاقوت مستعصمی به این خط جان تازه ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود. [۸]

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمده تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است. در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود. [۹] آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به کار رفته است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به کار می‌بردند، اما اوج هنرنمایی آنان - بر خلاف خوشنویسان ایرانی - در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است. در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی محزا و مختص به خود آفریده‌اند. خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم تا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی

منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد. [۱۰] پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بستیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید. [۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید. خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد. بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می توان قرن های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت نویسی در امور منشی گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن را نیز بوجود آوردند. [۱۲] درویش عبدالمحید طالقانی این خط را به کمال رساند. در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه سیاه مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تحاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه ها و مجموعه های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه هایی چون نقاشی خط را به وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است. در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام

معلی در سال های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی - ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد ، خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla ۱۹۹۶ : ۱۷). والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla ۱۹۹۶ : 18). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متحدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer ۱۹۶۸ : ۴۴۱). ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فريزر و Kwiatkowski ۲۰۰۶ ؛ جونستون ۱۹۰۹ : بلايت ۶). يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المحرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla ۱۹۹۶). يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء ؛ وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرحلة في لحظة الكتابة (بوت ۲۰۰۶ و Zapf ۲۰۰۷ ؛ ۲۰۰۶). و يستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والإعلانات / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمذنب و

الريشة. وهناك المحبره عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخزف، الرسم، الرسم الفني، النحت، العمارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية، بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة. والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الحميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن، 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في محال لفنون الحميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس محال الاشغال اليدوية والحرفية، أو من يطبق ضوابط الفن. وأكد التمييز من قبل فنانين من محال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الامعة. الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابقائها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الحميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن.

فن الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة (O) الأداء (O) أو قالب: Dn، للتحريك، لاستكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد. فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو، أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، أداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات

التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و، نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الحديثة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسائي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتحها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية، على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي. استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون، المصورون، محررين الصور، النماذج ثلاثية الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة.

آرٹ آرٹ ایسے کم یتا کماں نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشانان نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوہنیاں لگن آرٹ دی بنی شی کوئی کہانی دس دی اے یتا صرف کوئی سوہنا سچ یتا مسوس ہون والا جذبہ انسائیكلوپيڈيا بريٹانیکا آرٹ نوں اینج دسدا اے، "اوہ سوہنیاں شیواں، محول، یتا تحریتاں جنہاں نوں دوجیتاں نوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نوں ورتیا گیتا ہوئے" ایتھے آرٹ وچ مورتاں، (Painting) بتی بنانا (Sculpture)، تے فوٹوگرافی آندے نیں آرکیٹیکچر نوں وی ویکھے جان والے آرٹ وچ گنیا جاندا اے پر اوہدے وچ اوس شے تے کم لینا اوہدے بنان دا مڈھ ہوندا اے موسیقی، تھیٹر، فلم نوں آرٹ نال رلایا جاسکدا اے آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایدا بنانا تے ایہنوں دسنا آندے نیں آرٹ اک ول یتا راہ

اے انسانی سوچ یتا جذبے نوں دسن یتا کسے ہور تک اپڑان لئی ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیتا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے لیو ٹالسٹائی ایہنوں اک بندے توں دوجے بندے تک گل اپڑان دا پٹھا ول کیندا اے مارٹن ہائیڈگر دی اکھ وچ آرٹ اک ایسا ول اے جیدے راہیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے

تریخ وینس ولنڈورف آرٹ دے سب توں پرانے نمونے پتھر ویلے توں لبدے نیں وینس ولنڈورف 24,000 توں 22,000 م پ دی اک زنانی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لبی سی لاسکو، فرانس وچ زمین دے اندر غاراں وچوں 17,300 ورے پرانیاں جانوراں تے انساناں دیتاں مورتاں کنداں تے بنیاں ملیاں نیں ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیتا اے وشکارلہ پتھر ویلے 8000-6000 م پ لنگان تے نیولتھک ویلے 6000-3000 م پ وچ انسان تے وائی بیجی تے اک تھان تے ٹک کے رہنا سکھیتا، ربتلاں گنحلیاں ہویاں تے مذہب تے وی ماننا پتائی تے انسان تے اپتے فیدے لئی ہتھ نال کئی چیزاں بنانیاں سکھیاں تے فیر کانسی ویلے 3000-1000 م پ وچ پہلیاں انسانی ربتلاں پونگریاں پرانے مصر، پرانے عراق، فارس، ہڑپہ ربتل، چین، پرانے یونان، روم تے انکا تے مایا دیتاں ربتلاں تے اپنیاں آرٹ دیتاں ریتاں اپنیاں ضرورتاں تے اپتے کول ہون والیاں شیواں توں بنایاں آرٹ اودوں لکھائی دے بنن نال ٹردا اے لکھائی اپتے مڈھ ویلے توں تے ہپار دے کم نوں سوکھا تے لین دین نوں یتاد رکھن لئی بنی لکھائی پہلے مورتاں نال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوہناں نوں جوڑ کے بنائی جاندی اے

پرانہ عراق پرانے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورے پہلے توں اوتھے پونگرن والیاں اشوری، سمیری، کالدی، ربتلاں وچ بنیا ایتھوں دے آرکیٹیکچر وچ اٹ تے ڈاٹ دا ورتن سی تے ایدے نال زکورت، مندر تے وکھریاں پدھراں والے ہرم بنائے گئے محلاں وچ وکھریاں پدھراں تے سوہتے رکھ لائے گئے جیہڑے پرانی دنیا دیتاں 7 نویکلیاں شیواں وچوں سن بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقشی

دبکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی، شکاری تے فوجی وکھالے
 انساناں تے جانوراں نال بنائے جاندے سن سمیری ویلے وچ نکیتاں
 بتیاں جنان دے کمارے تکھے، رنگلے پتھر دیتاں، گنجے سر تے
 چھاتیاں تے ہتھ سن اکادی ویلے دیتاں بتیاں دے سر دے وال لمے
 تے داڑیاں سن جیویں نارام سین عموری ویلے دیتاں بتیاں نوں لاگاش
 گڈیا وچ سمحیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا تے چادر سر تے ٹوپی تے
 ہتھ چھاتی تے رکھے نیں اشتر بوا جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا
 گیتا سی بابل دے ارکیٹیکچر آرٹ دی وڈی نشانی اے تے ایذا کج حصہ
 پرگامون میوزیم، برلن وچ ہتے گیونل شیرنی 5000 ورے پرانی لائم پتھر
 دی بنی اک مورتی اے عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں پہیہ تے لکھن دا
 ول بتے گئے دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہراں تے
 بنیاں مورتاں کہانی سناندا اک نوکلا ول سی ایہ مہراں پتھر مٹی یا
 کسے ہور شے دیتاں وی بنیا ہوسکدیاں سن رات دی رانی عراق چوں
 لبی کوئی 3800 ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے
 جیدے پیر پنحھی ورگے دوالے پر، سحے کھبے شیر تے الو نیں گڈیا
 دی بتی 2144 - 2124 م پ ورے پرانی اے ار دا سٹینڈرڈ، کھڑی بکری،
 تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پراتے عراق دے آرٹ دیتاں منیاں پرمنیاں
 نشانیاں نیں لکھائی دا ول بنن نال پراتے عراقی لکھتاں وچ وی اپتے
 آپ نوں دسدے نیں گلگامش 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ
 سمیری تے اکادی دیوتاواں دیتاں کہانیاں نیں اٹراپسس، اکادی ویلے دی
 اک لکھت اے جیدے وچ ہڑان دی کہانی دسی گئی اے بابل دیتاں
 لکھتاں وچ سب توں منی پرمنی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس
 کائنات دے بنن دی کہانی دتی گئی اے

پرانا مصر ملکہ نیفریتیتی پرانا مصری آرٹ 5000 م پ توں لے کے 300
 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ربتل دی نشانی اے تے ایہدے
 وچ مورتاں، بتیاں، آرکیٹیکچر تے رلدیاں چیزاں آندیں نیں ایہ مصری
 آرٹ پرانیاں قبرباں تے یادگاری تھانواں توں لبیا تے اینج ایدھے وچ مرن
 مگروں جیون تے پرانی جانکاری نوں بچان تے زور اے ایہ آرٹ 3000

م پ توں لے کے تیجی صدی تک تھے اچیچے دوسرے تھے تیسرے تھر
 ویلے وچ بنیا 3000 ورے دے لمے ویلے وچ ایدا تھے باہر دا کوئی اثر ناں
 پیتا تھے جس ودیا ول نال ایہ تھیا تھے بنایا گیتا انت تک انج دا ای ریتا
 ایس ویلے دا منیا آرٹسٹ پیبلو پکاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے
 مصر اک سکا دیس ہون باجوں ایتھے بنیاں مورتاں ٹھیک ملیاں نیں
 مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانییاں جان والیاں رامسیس
 II، اخناتون، نیفریتیتی، اوسکورن II، امنہوٹپ III، منکار تھے تنخامون
 نیں مصری پٹانڈے پتھر توں لے کے مٹی نال بندے سن تھے اوہتے تھے
 کالے یا رنگے نقش بتے ہوندے سن ایہناں وچ عام کر وچ ورتن دے
 پٹانڈے مرتبان، کڑے نیں مصری مندران، محلاں، ہرماں، قبران، تھے ہور
 کوٹھیاں نوں بنان وچ اٹ، لائٹ پتھر، ریتلا پتھر تھے گریناٹ ورتے گے
 لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایدا ورتن تھوڑا اے خوفو دا اہرام، ابوالہول،
 کرناک، لکسر، ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں مصری لکھتاں
 تھے مورتاں بنان لئی پیپٹائرس ورتدے سن ایہ اک بوٹے توں بنایا جاندا
 سی ایدییاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا ہور کلاسیکی
 دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر پر کتے ہور ناں ریتاں

پرانا یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں، آرکیٹیکچر، پٹانڈے تھے مورتاں وچ دسد
 اے تھے ایس تھے یورپ تھے ایشیاء وچ پاکستان تک اپتے رنگ چھڈے
 نیں یونانی پٹانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تھے نمونیاں وچ
 بندے سن پٹانڈے جناں وچ مرتبان تھے پلیٹاں تھے عام زندگی دیاں
 مورتاں بنیاں ہوندیاں سن یونانی آرکیٹیکچر اپنی شان، سادگی تھے
 سوہنپ وچ اپنی ادھارن آپ اے پرگامون، پارتھینن، بیفسٹس دا مندر
 ویکھن والیاں تھانواں نیں مائلو دی وینس، سیموتھریس دی نائیکے،
 یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیاء دکھنی ایشاء وچ آرٹ دی ریت ہڑپہ ریتل توں ٹردی ہوئی اج
 دے ویلے تک اپڑدی اے بانڈے بتیاں آرکیٹیکچر، مورتاں تھے ایہ آرٹ
 ویکھیا جاسکدا اے مہنچو داڑو دی نچدی کڑی، پنڈت بادشاہ، مہراں
 جنہاں تھے ہاتھی بلد تھے سواستیکا بتے ہوئے سن، تھے مٹی دے وڈے

مرتباناں تھے پانڈیتاں تھے مورتاں اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیں بت
 بنانا ہندو جین تھے بدھ مت دی ریت رٹی اے اجنتا دے غار پرانی
 ہندستانی بتی دی اک ودیتا تھان اے ہندو ہزاراں وریتاں توں اپتے دیوی
 دیوتاواں وشنو، شیوا، لکشمی، گنیش، ہنومان، اندرا، رام تھے سرسوتی دیتاں
 مورتاں تھے بتیاں بنا کے مندراں تھے کراں وچ رکھدے آئے نیں اتلے
 پنحاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکیٹیکچر دی وڈی تھان سی ایہ
 بتیاں بدھ تھے اودے جیون دے دوالے نیں تھے ویلے نال ایہناں دے
 بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تھے یونانی رنگ وی دسدا اے مغل راج ویلے
 ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اے مغل راج ویلے دیتاں مورتاں مغل
 بادشاہواں تھے اوہناں دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں کانگرہ
 راجپوت تھے پنحاب مورتاں بنان دے مغلاں مگروں وکھرے سکول
 سن مورتاں دے ول نوں انگریزاں تھے آکے اپنا رنگ وی چاڑیا قطب
 مینار قطبادین ایبک دی جت تھے دلی وچ بنایا گیا اک مینار
 اے ارکیٹیکچر وچ پراٹے قلعتیاں مندراں دے مگروں مغل ویلے وچ
 مغل آرکیٹیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے تاج محل، بادشاہی مسجد،
 شالامار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیٹیکچر دے کج نشان نیں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی: یہ ایک فن ہے، جو لکھتے سے تعلق
 رکھتا ہے بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھتے کا
 فن [1] اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ
 فن مقبول ہونا ہے اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر
 اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہوتے میں کامیابی ملی [2] یہ فن عربی زبان
 ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سراہی گئی مذہب اسلام کے مانتے
 والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بولتے ہیں
 یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے عربی،
 فارسی، اردو، سندھی، آذیری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول
 ہوا قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا چھاپہ مشین ایجاد
 ہوتے سے پہلے، کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا

بیڑا اٹھایا عثمانیہ دور میں 'دیوانی' خط عروج میں آیا دیوانی خط کا ایک روپ 'جلی دیوانی' یا 'دیوانی الحالی' ہے رفتہ رفتہ، رقع خط کا ارتقاء ہوا اشیاء خطاطی [ترمیم] رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ اہم ہیں ۰ قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں "برو" یا "بانس" یا "بمبو" کے قلم مشہور ہیں قلم کی نوک، حرفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں حروف جتے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی ۰ دوات : دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں شہر حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں

مساجد اور خطاطی [ترمیم] اسلامی "مسجد خطاطی" یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے مسحدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر گنبدوں پر، اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر-فن خطاطی کا ایک مرکب ہے

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ - محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان عربی (العربية al-ʿArabīyah یا عربی/لغة عربية ʿArabiyyah)، سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان (فصحی عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہوتے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جاتے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جاتے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کو

مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھتے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے کئی لہجے آج کل پٹائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بولتے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزہ سمیت 29 حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے

language) (Arabic

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھتے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پٹائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے ابجد ہوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے جو کچھ یوں ہیں

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں بعض اہل علم ہمزہ (ء) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ، بھ وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں

اشعار یتا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو
میں حروف کے اعداد حروفِ ابجد جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے
لیتے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے مثلاً 'پ' کے اعداد 'ب' کے برابر،
'ڈ' کے اعداد 'د' کے برابر، 'گ' کے اعداد 'ک' کے برابر اور 'ے' کے اعداد 'ی'
کے برابر شمار کیے جاتے ہیں